فلسفه غيبت از منظر روايات

محمد هادي يوسفي غروي

اشاره‌

از جمله اسرار غيبت امتحان بندگان است. زيرا به واسطه غيبت مرتبهِ ايمان اشخاص و تسليم بودن آنها در برابر تقدير الهي ظاهر مي‌شود و همچنين در زمان غيبت به واسطهِ حوادث و فتنه هايي كه روي مي دهد شديدترين امتحانات از مردم به عمل مي‌آيد. عدم تحقق ظهور حضرت به اذن الهي است و شخص منتظر در هر مقداري كه دوران غيبت به تأخير افتد هرگز نوميدي به او راه پيدا نمي كند و شك و وسوسه در دلش رخنه نمي‌كند و اين نكته هيچ منافاتي با حالت انتظار و پيش‌بيني ظهور حضرت در هر سال بلكه در هرماه يا هر روز ندارد.

نوشتاري كه پيش رو داريد با توجه به آخرين نامه حضرت به آخرين نايب به مسئله فلسفه غيبت از منظر روايات مي‌پردازد.

‌شهيد بزرگوار سيد محمد صدر در بخش‌ نخست‌ از كتاب‌اش‌ - موسوعه الا‌مام المهدي (عج) - چهار فصل، مشروحاً، با روشي‌ نو و عميق، به‌ بررسي‌ و تحليل‌ تاريخ‌ زندگاني‌ امام‌ هادي‌ و امام‌ حسن‌ عسگري، عليهما السلام، پرداخته‌ است‌ و سپس‌ به‌ كاوش‌ در تاريخ‌ زندگاني‌ امام‌ مهدي(ع) و سفيران‌ آن‌ حضرت‌ در دوران‌ غيبت‌ كبرا نشسته‌ و آن‌ گاه‌ خطوط‌ كلّي برنامه‌هايي‌ را كه‌ امامان‌ شيعه(ع‌) و اصحاب‌ آنان، براي‌ رهيافت‌ به‌ دوران‌ غيبت‌ كبرا و ذخيرهِ‌ الهي‌ در روز موعود، ترسيم‌ فرموده‌اند، مورد بحث‌ قرار داده‌ است.

مؤ‌لف‌ بزرگوار، كتاب‌اش‌ را در پنج‌ فصل‌ تنظيم‌ كرده‌ است. آخرين‌ فصل، هفت‌ بخش‌ دارد كه‌ در آن‌ها زندگاني‌ امام‌ مهدي(ع) و تلاش‌هاي‌ آن‌ حضرت‌ بررسي‌ شده‌ است. در بخش‌ هفتم، اختصاصاً به‌ موضوع‌ اعلام‌ پايان‌ غيبت‌ كبرا پرداخته‌ است. در اين‌ قسمت، مؤ‌لف‌ بزرگوار، ادلّهِ‌ اساسي‌ سه‌ گانه‌اي‌ را كه‌ منجر به‌ پايان‌ دوران‌ سفارت‌ و شروع‌ دوران‌ غيبت‌ صغرا گشته، تفسير كرده‌ و فرموده است:

<براساس‌ همين‌ ادلّهِ‌ سه‌ گانه‌ و غير آن‌ بوده‌ كه‌ امام‌ مهدي(ع) در توقيعي‌ كه‌ قبل‌ از مرگ‌ سفير چهارم‌اش‌ به‌ وي‌ نوشته، پايان‌ دوران‌ سفارت‌ و تمام‌ شدن‌ عهد غيبت‌ صغرا و آغاز دوران‌ غيبت‌ كبرا تا روز موعود را، يعني‌ روزي‌ كه‌ فرداي‌ پرشكوه‌ اسلام‌ تحقّق‌ خواهد يافت، اعلام‌ كرده‌ است.>

شهيد سيد محمد صدر، به‌ متن‌ توقيع‌ امام‌ مهدي‌ به‌ سفير چهارم‌اش‌ علي‌ ابن‌ محمّد سمري‌ پرداخته‌ و باالهام‌ از بيان‌ حضرت، نكات‌ هشت‌ گانه‌اي‌ را يادآوري‌ فرموده‌ است:

1 - در اين‌ توقيع، آن‌ حضرت، از مرگ‌ سفير چهارم‌اش، بعد از شش‌ روز خبر داده‌ است.

2 - به‌ سفيرش‌ فرموده است:

<حق‌ ندارد بعد از خودش. به‌ كسي‌ وصيّت‌ كند.>

3 - حضرت‌ فرموده‌اند:

<غيبت‌ تامّهِ، ظهوري‌ به‌ دنبال‌ نخواهد داشت‌ مگر بعد از يك‌ مدّت‌ طولاني‌ و سخت‌ شدن‌ دل‌ها و پر شدن‌ زمين‌ از ستم.>

شهيد صدر، براي‌ پوشيده‌ بودن‌ تاريخ‌ ظهور، دو فايده‌ بر مي‌شمرد: نخست‌ آن‌ كه‌ حضرت‌ مهدي(ع) براي‌ زمان‌ ظهور خود، از عنصر غافل‌گيري‌ و ناگهاني‌ بودن‌ و غير قابل‌ پيش‌بيني‌ بودن‌ استفاده‌ خواهد كرد. اين، در حقيقت، هشداري‌ است‌ به‌ دشمنان‌ حضرت‌ كه‌ بدانند در اوج‌ سلطه‌ و امتدادشان، ناگهان‌ به‌ عذاب‌ الهي‌ گرفتار خواهند شد. غافل‌گيري‌ از نيرومندترين‌ عناصر پيروزي‌ و مقوّمات‌ آن‌ است. ديگر اين‌ كه‌ روشن‌ نبودن‌ ظهور آن‌ حضرت، توده‌هاي‌ مردم‌ را در هر لحظه‌ و زمان‌ در حالتي‌ از انتظار، قرار خواهد داد و مردم، در هر روزي، پيش‌بيني‌ ظهور آن‌ حضرت‌ را خواهند كرد و چنين‌ احساسي، اگر در يك‌ فرد شكل‌ بگيرد، او را بر انجام‌ دادن‌ رفتار شايسته‌ و ارزيابي‌ مسائل‌ دروني‌ و مطالعهِ‌ واقعيّت‌ زندگي‌ جاري‌اش‌ و شناخت‌ هر چه‌ عميق‌تر دستورها و مقررات‌ دين‌ بر مي‌انگيزد و خواهد توانست‌ با پرداختن‌ به‌ اين‌ موضوع، از مقرّبان‌ درگاه‌ آن‌ حضرت‌ شود و خود را به‌ وي‌ نزديك‌ سازد و خواهد كوشيد تا در زمرهِ‌ كساني‌ نباشد كه‌ مورد خشم‌ آن‌ حضرت‌ واقع‌ شده‌اند و از دور شدگان‌ ساحت‌ به‌ شمار مي‌آيند. علاوه‌ بر اين‌ شخصي‌ كه‌ در هر روز، انتظار ظهور آن‌ حضرت‌ را مي‌كشد، با خود مي‌انديشد كه‌ اگر خداي‌ نكرده، اهل‌ فساد و تباهي‌ باشد و بخواهد همچنان‌ غرق‌ در گناه‌ باقي‌ بماند، چه‌ بسا اين‌ حالت، به‌ هلاكت‌ او منتهي‌ مي‌گردد و از عدالت‌ گستردهِ‌ اسلامي‌ كه‌ با رهبري‌ امام‌ مهدي(ع) بر جهان‌ حكم‌ فرما خواهد شد، دور بماند؛ چرا كه‌ مي‌داند، امام‌ مهدي(ع) در پياده‌ كردن‌ عدالت‌ اسلامي، بسيار قاطع‌ خواهد بود و هر ستمگر و ظالمي‌ را به‌ سختي‌ مجازات‌ خواهد كرد.

4 - شهيد صدر، از آخرين‌ بخش‌ سخن‌ امام‌ زمان‌ به‌ آخرين‌ سفيرش‌ در بغداد - يعني‌ جملهِ: <اِلاّ باذن‌ الله‌ تعالي‌ ذكرهُ و ذالك بعد طول‌ الا‌مد‌> الهام‌ مي‌گيرد كه‌ تصريح‌ بر طولاني‌ بودن‌ دوران غيبت‌ كبرا، بدين‌ سبب‌ است‌ كه‌ هر فرد از تودهِ‌ مردم، اين‌ ذهنيّت‌ از پيش‌ در او شكل‌ بگيرد كه‌ غيبت‌ امام‌ زمان(ع) طولاني‌ مدّت‌ خواهد بود و پيش‌بيني‌ طولاني‌ شدن‌ دوران‌ غيبت‌ كبرا را امري‌ ممكن‌ بداند تا در نتيجهِ‌ چنين‌ تفكّري، هرگز نوميدي‌ در او راه‌ پيدا نكند و در هر مقداري‌ كه‌ دوران‌ ظهور به‌ تأ‌خير افتد، هرگز شك‌ و وسوسه‌ در دل‌اش‌ رخنه‌ نكند و بداند اگر غيبت‌ حضرت، هزاران‌ سال‌ نيز به‌ درازا بكشد مطلب‌ عجيبي‌ روي‌ نداده‌ و اگر تاكنون‌ ظهور اتفاق‌ نيفتاده، به‌ سبب‌ اين‌ بوده‌ كه‌ اذن‌ الهي‌ تحقق‌ نيافته‌ است. اذن‌ الهي، در شرايطي‌ تحقّق‌ مي‌پذيرد كه‌ مصلحت الهي‌ اقتضا كند و بشريت‌ آمادهِ‌ پذيرش‌ فراخواني‌ بزرگ‌ حضرت‌ باشد. با چنين‌ تفكّري، اگر فردي‌ تأ‌خيري‌ در ظهور آن‌ حضرت‌ ببيند، پي‌ خواهد برد كه‌ هنوز مصلحت‌ الهي‌ تحقّق‌ پيدا نكرده‌ و اذن‌ الهي‌ براي‌ ظهور صادر نشده‌ است. اين‌ نكته، هيچ‌ منافاتي‌ با حالت‌ انتظار و پيش‌بيني‌ ظهور حضرت‌ در هر سال، بلكه‌ در هر ماه‌ يا هر روز ندارد.

5 - شهيد محمّد صدر، از اين‌ بيان‌ امام‌ كه‌ <ذالك بعد قسوه‌ القلوب> استفاده‌ كرده‌ است‌ كه‌ اين‌ فرد، در دوران‌ غيبت‌ كبرا با آزمون‌هاي‌ دشوار الهي، رو به‌ رو خواهد شد و بر او است‌ كه‌ از اين‌ آزمون‌هاي‌ الهي، موفّق‌ و پيروز بيرون‌ آيد. توفيق‌ در اين‌ آزمون‌هاي‌ الهي، مستلزم‌ داشتن‌ اراده‌ و ايمان‌ عميق‌ و اخلاص‌ است.

مهم‌ترين‌ سبب‌ موفقيت، اين‌ است‌ كه‌ موضع‌ اعتقادي‌ فرد نسبت‌ به‌ وجود امام‌ غايب‌ و رهبر پنهان، محكم‌ گردد، اگر فردي، با ادلّهِ‌ قطعي‌ به‌ وجود آن‌ حضرت‌ پي‌برد، شايسته‌ نيست، آن‌ هنگام‌ كه‌ امواج‌ شك‌ و توهمّات‌ باطل‌ به‌ او هجوم‌ آورد متزلزل‌ شود و سستي‌ در اعتقادش‌ راه‌ پيدا كند. اگر افراد، به‌ اين‌ اعتقاد پاي‌ فشارند، كساني‌اند كه‌ داراي‌ مرتبتي‌ والا هستند و از آگاهان‌ نسبت‌ به‌ دين‌ به‌ شمار مي‌آيند. چنين‌ اشخاصي‌ هرگز به‌ سخت‌ دلي‌ مبتلا نخواهند شد.

جهت‌ ديگر دشواري‌ آزمون‌هاي‌ الهي‌ در دوران‌ غيبت‌ كبرا اين‌ است‌ كه‌ موضع‌ فرد در برابر فشارهاي‌ خارجي‌ مشخّص‌ مي‌گردد و ميزان‌ فداكاري‌هايي‌ كه‌ در راه‌ ريشه‌كني‌ فقر و بيماري‌ و نا بساماني‌هاي‌ اجتماعي‌ و ديگر گرفتاري‌هايي‌ كه‌ در مسير طولاني‌ ايمان‌اش‌ با آن‌ها مواجه‌ است، آشكار مي‌شود. شهيد صدر، دربارهِ‌ اين‌ موضوع‌ مي‌گويد:

اگر در فرد، اين‌ احساس‌ مسئوليت‌ شكل‌ پذيرد، خواهد توانست‌ سختي‌ مبارزات‌ و ناملايمات‌ و فداكاري‌ها را در راه‌ ايمان‌اش‌ متحمّل‌ شود، ولي‌ اگر از چنين‌ قدرت‌ اراده‌اي‌ محروم‌ باشد و يا اساساً مسئوليتي‌ بر دوش‌ خود احساس‌ نكند، حاضر مي‌شود وجود گران‌بهاي‌ خودش‌ را به‌ ازاي‌ اندكي‌ از دنيا، بفروشد و به‌ انحرافات‌ فراواني‌ در روند طولاني‌ زندگي‌اش‌ دچار خواهد شد.

6 - شهيد صدر، از اين‌ جملهِ‌ حضرت‌ كه‌ مي‌فرمايد: <بعد طول‌ الا‌مد و قسوه‌ القلوب‌ و امتلاء الا‌رض‌ جوراً> الهام‌ مي‌گيرد كه‌ پر شدن‌ زمين‌ از ظلم‌ و جور، پيامد شكست‌ اكثريّت‌ انسان‌ها در آزمون‌هاي‌ الهي‌ در دوران‌ غيبت‌ كبرا و تسلّط‌ مادّي‌ گرايي‌ و شهوت‌راني‌ و افت‌ شديد انگيزه‌هاي‌ ديني‌ و اخلاقي‌ در ميان‌ جوامع‌ اسلامي‌ است.

طبيعي‌ است، جامعه‌اي‌ كه‌ از رهبر عظيم‌ الشأ‌ني‌ مانند امام‌ مهدي(ع) محروم‌ باشد و آن‌ امام‌ به‌ دليل‌ غيبت‌اش، نتواند به‌ طور ملموس‌ با مسائل‌ جامعه‌ مواجه‌ شود و با حضورش‌ يك‌ پارچگي‌ دين‌ را سبب‌ گردد و وحدت‌ كلمه‌ و از ميان‌ رفتن‌ شكاف‌ها و تشتّت‌ها و نابودي‌ دشمنان‌ را به‌ ارمغان‌ آورد، به‌ زير سلطهِ‌ نيروهاي‌ مستكبر و شهوت‌ گستر خواهد رفت. ثمرهِ‌ اين‌ سلطه، گسترش‌ ناعدالتي‌ و فساد و... است.

شهيد صدر مي‌فرمايد:

اگر غير مسلمانان‌ و يا تسليم‌ نشدگان، اساس‌ توحيد و بنيان‌هاي‌ ديني‌ را انكار كنند و عليه‌ مؤ‌منان‌ نقشه‌هاي‌ خرابكارانه‌ بكشند، جاي‌ شگفتي‌ نيست؛ چرا كه‌ همان‌ گونه‌ كه‌ تاريخ‌ گواه‌ است، مؤ‌منان، همواره، در تمامي‌ تاريخ، شاهد سخت‌ترين‌ شكنجه‌ها و آزارها از سوي‌ چنين‌ كساني‌ بوده‌ و هستند.1

ايشان، در مقدّمهِ‌ جلد نخست‌ به‌ گوشه‌هايي‌ از تاريخ‌ اهل‌ بيت(ع) مي‌پردازد كه‌ بيان‌ كنندهِ‌ تفكّرات‌ و روحيات‌ شهيد در طول‌ زندگي‌ تا هنگام‌ شهادت‌اش‌ است. او، در اين‌ مقدّمه‌ مي‌گويد:

امامان‌ ما، هماره، بر نقش‌ مبارزات‌ خستگي‌ناپذير خود عليه‌ دستگاه‌هاي‌ حاكم‌ كه‌ مروّج‌ انحراف‌ از دين‌ در سطوح‌ مختلف‌ بوده‌اند، پاي‌ مي‌فشردند. برخي‌ از حكام، اگر چه‌ با اسم‌ اسلام‌ بر مسند قدرت‌ تكيه‌ زده‌ بودند و مشروعيّت‌ خود را تحت‌ عناويني‌ چون‌ <خليفهِ‌ پيامبر> و... توجيه‌ مي‌كردند، ولي‌ همهِ‌ اين‌ها ، ‌براساس‌ سطح‌ برداشت‌ و ميزان‌ عدالت‌ و معنويتي‌ بود كه‌ از آن‌ برخوردار بودند و به‌ اندازهِ‌ فهم‌ و افق‌ فكري‌شان‌ به‌ اسلام‌ پايبند بوده‌اند. علاوه‌ بر اين‌ كه‌ بسياري‌ از مناصب‌ كليدي‌ حكومت‌ را به‌ دست‌ كساني‌ مي‌سپردند كه‌ از جهت‌ آگاهي‌ و دين، هيچ‌ گونه‌ برتري‌اي‌ بر شخص‌ خليفه‌ نداشتند. از اين‌ زاويه، حسادتي‌ بر خليفه‌ نمي‌ورزيدند. موضع‌ امامان‌ ما هم‌ از جنبهِ‌ فكري‌ و هم‌ از جنبهِ‌ عملي، در جهت‌ مخالف‌ با اين‌ دستگاه‌هاي‌ حاكم‌ بود. اين‌ موضع‌گيري‌ كه‌ بر پايهِ‌ دورانديشي‌ و قاطعيّت‌ استوار بود، از حكم‌ الهي‌ و عنايت‌ و توفيق‌ او سرچشمه‌ مي‌گرفت‌ و در جهت‌ امر به‌ معروف‌ و نهي‌ از منكر و اصلاح‌ امّت‌ جدّشان‌ رسول‌ گرامي‌ قرار داشت. در حقيقت، آنان‌ با وضعيّتي‌ مبارزه‌ مي‌كردند كه‌ مولود ستم‌ و انحرافات‌ و جنگ‌هاي‌ باطل‌ و مصلحت‌ پرستي‌هاي‌ شخصي‌ بود. اين‌ها، همه، شكست‌ اقتصادي‌ و عقب‌ ماندگي‌ اجتماعي‌ اسف‌ باري‌ را در بيش‌تر دوره‌هاي‌ تاريخي‌ به‌ بارآورد.

ائمّه(ع) به‌ عنوان‌ نمايندگان‌ حقيقي‌ پيامبر اسلام، براساس‌ معتقدات‌شان، احساس‌ وظيفه‌ و تكليف‌ مي‌كردند كه‌ مفاسد را ريشه‌ كن‌ سازند. آنان، در حدّ توانايي‌ خود و فرصت‌هايي‌ كه‌ در طول‌ عمرشان‌ دست‌ مي‌داد، مي‌كوشيدند انحرافات‌ را از متن‌ جامعهِ‌ اسلامي‌ بزدايند.

موضع‌ ائمّه(ع) در برابر مشكلات‌ داخلي‌ دولت‌ اسلامي، يعني‌ همان‌ مشكلاتي‌ كه‌ سردمداران‌ حكومت‌ و يا گروه‌هاي‌ مخالف‌ داخلي‌ ايجاد مي‌كردند، موضعِ شخصي مراقب‌ و اصلاح‌گري‌ دل‌سوز بود. و طبيعي‌ است‌ كه‌ داشتن‌ چنين‌ موضعي، چندان‌ از نظر حكّام‌ و دست‌ اندركاران‌ حكومت، خوش‌ نمي‌آمد و همواره، آنان، از اين‌ گونه‌ مواضع، بيم‌ داشتند و با نگراني‌ عميق، سياست‌هاي‌ احتياطي‌ شديدي‌ را عليه‌ آنان‌ اتخّاذ مي‌كردند.

آري، اين‌ گونه‌ موضع‌گيري‌ از سوي‌ امامان‌ شيعه، خشم‌ و نگراني‌ دستگاه‌ حاكم‌ را هم‌ در گفتار و هم‌ در كردارشان‌ بر مي‌انگيخت‌ و طبيعي‌ بود كه‌ امامان‌ ما، با توجّه‌ به‌ اين‌ گونه‌ فشارهاي‌ روز افزون، تا جايي‌ كه‌ در توان‌ داشتند، تلاش‌ مي‌كردند و از فرصت‌هايي‌ كه‌ به‌ دست‌ مي‌آمد، بهترين‌ بهره‌برداري‌ها را مي‌كردند.2

------------------

پي نوشت ها :

1- الغيبه‌ الصغري، ص634 - 639.

2- موسوعه‌ الامام‌ المهدي(عج) (الكتاب‌ الا‌وّل: تاريخ‌ الغيبه‌ الصغري)، ص20 - 22.